

که قدرت و نیروی ما در غصت ملی مبارزه‌ماست. چیزیکه خلق آذربایجان را متحد کرده و آنها را به فرقه دموکرات پیوند داده، همانا شعارهای ملی میباشد که از طرف فرقه بمیان کشیده شده است.

ما بنام تمام ایران کم صحبت نکرده‌ایم. تلگرافهای بیشماری را که حزب توده به تهران فرستاده بود هنوز فراموش نکرده‌ایم. اینها حرفهای بیپوده‌ایست، تهران نمیتواند آزادی بدهد. تازه، بعد از گرفتن آن آزادی، فکر آنرا کرده‌ایم که باز زیر اسارت ملی باقی خواهیم ماند. ما به تعلیم و تربیتی که بچه‌های کوچک ساله را بوسیله تدریس بزبان بیگانه‌ای خرد کرده، پوسانده و فاسد میکند، نمیتوانیم آزادی بنامیم. تابع کردن يك خلق ۵ میلیون نفری تحت حاکمیت خلقی بیگانه، آزادی نیست. بخاطر خواهی آیند چند نفر، نمی‌شود ملیت جمعیتی را که قرن‌ها مبارزات قهرمانانه‌ای کرده‌است، انکار کرد و این مغایر انسانیت میباشد.

کسانیکه خواستار عوض کردن رنگ ملی و خاصیت ملی، نهضتی که شروع کرده‌ایم میباشدند، بدین ترتیب میخواهند اسلحه خلعمان را از دستشان بیرون بیاورند، ماسک آزادیخواهان اینها نمیتواند ما را فریب دهد. انسانهای آزادیخواه نمی‌توانند خواستار حاکمیت ملتی بر ملت دیگر باشند. آزادیخواهی حلوا نیست. انسانهای آزادیخواه نباید حق و حقیقت را انکار کنند.

حق و حقیقت نیز، زبان ملی، آداب و رسوم ملی، اخلاق ملی، استعداد ملی و تاریخ ملی آذربایجان است. آزادیخواهان تهران با انکار کردن ملیت ما، دازای يك روحیه خشن و استبدادی بوده و ثابت کردند که مرتجع تر از هر مرتجعی هستند. خلق آذربایجان قدرت خود را در وحدت ملی و در آزادی ملی یافته‌است.

اینک آذربایجان يك سرزمین ملی میباشد، خلق قهرمان او لیاقت خود را در اداره کردن خویش بتمام جهان بیان ثابت کرده‌است. تبریز علی‌رغم سیاست خائنانه‌ی مرتجعین مرکز از هر جهت از تهران پیشی گرفته‌است. امنیت، آسایش، در فکر مردم بودن، ارزانی، مبارزه با بیکاری، تدابیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خلعمان را روز بروز بازم بیشتره آینده امیدوار میکند. ولی در قلمرو حکومت تهران ناامیدی عمیق و قطعی حکمروائی میکند. يك ملت مأیوس محکوم به انقراض است. ولی ملت امیدوار، بهر مشکلی غلبه کرده، بزندگی ادامه داده و در راه اجرای آرزوهایشان از هیچ نوع فداکاری روی گردان نیست. اینک ما هر روز و هر ساعت به پیش میرویم، ولی تهران، زیر سایه مرتجعین و حرافاتی که سعی در آزادیخواه نشان دادن خود هستند، بسوی فلاکت کشانده میشود. ما برای مبارزه تا به آخر نوگند یاد کرده‌ایم، سرگ هست، بازگشت نیست.

"پیشه‌وری"

x x x

اقداماتمان در زمینه فرهنگ، و کتابهای درسی منتشر شده بزبان ملی و پایه‌گذاری دارالفنون ملی (دانشگاه)، در تاریخ فرقه مان باید با خط طلائی نقش‌بندد. باین مسئله ما افتخار میکنیم که بیانییه ۱۲ شهریور را، بیش از آنچه که بود بمرحله اجرادرآورده‌ایم.

## نهضت ما و سیاست جهانی

باگسترش دامنهٔ نهضتمان و اهمیت کسب نمودن آن، کنجکاوی و توجه دیپلماتها و آزادی‌خواهان دنیا بسوی نهضتمان بیشترگردید. بالاخره کار بجایی رسید که مسئله آذربایجان شکل بین‌المللی پیدا کرده و درمطبوعات دنیا بعنوان موضوع روز در درجهٔ اول قرارگرفت. رادیوهای تمام دنیا به زبان‌های مختلف، نام میهنمان و جریان نهضت را باپیشی جستن ازیکدیگر، بااطلاع جهانیان میرساندند. این البته میتواندست علل گوناگونی داشته باشد. بعضی‌ها سعی داشتند از آن برعلیه اتحاد شوروی استفاده کنند. بنظر ما این يك سیاست خائنه و غداریه‌ای بود. آنها بمنظور دفاع از دشمنان داخلی ما، سعی میکردند مسئله را باین صورت درآورند. و حال اینکه مسئله آذربایجان برای ایران يك مسئله بتمام معنی داخلی بشمار میرفت. از آنجائیکه مردم ایران با این نهضت امید بسته و انتظارات بزرگی داشتند، مرتجعین داخلی و خارجی با این تهمت‌های سعی در خفه کردن آن میکردند. بعضی از دشمنان ما نیز بطور خنده‌آوری به نهضت ملی و بزرگ نام تجزیه‌طلبی داده و میخواستند مردم را بدین ترتیب برعلیه ما تحریک کنند. و حال اینکه، مسئله مختاریت داخلی، بمعنسی تجزیه نبود، فرقه این مسئله را در بیانییه ۱۲ شهریور با دلایل محکم، شرح داده و از وقوع چنین احتمالی جلوگیری کرده بود. حتی بنظر ما اصول "فدراتیو" نیز بمعنی تجزیه‌نیست. همانطور که در بیانییه (مراجعتنامه) ۱۲ شهریور نشان داده شده است، اگر فدراتیو بمعنی تجزیه کردن باشد، در آنصورت ایالات متحده آمریکا، کشور سوئیس تجزیه شده و باید جزو ممالک قافله مرکزیت بشمار آیند. مختاریت ملی و محلی، مسئله زبان و یادادن اختیارات وسیع به انجمنهای ایالتی برخلاف ادعای فترا آمیز مخالفین بمعنی تجزیه يك کشور نیست.

بلکه بعلاوه اینکه مستقیماً دخالت تمام خلق را در تشکیلات دولتی تأمین میکند، اساسی‌ترین قدمی است که موجب بوجود آمدن یک وحدت ناگسستن و محکم می‌گردد. این یک تشکیلات دولتی تجربه شده است. تصور دیگری از آن محال می‌باشد. چه کنیم که نهضت‌های دموکراتیک ملی را، دیپلماتهای دول بزرگ که در شرق منافع استعماری دارند، این چنین ارزیابی میکنند. اگر باورشان میشد که این جنبش در داخل مرزهای آذربایجان می‌ماند، شاید این ولوله را بعیان نمی‌نماداختند. اما چه میشود کرد، آنها نیز بروشنی میدانند که نهضت در داخل مرزهای یک مملکت محدود نمی‌ماند. بنابراین از وسایل بسی حد و شماری که در اختیار دارند، استفاده کرده و برای خفه کردن و از بین بردن مسئله حیاتی ما که همانا جنبش ملی‌مات کوشش میکنند. کار رفته رفته از مطبوعات و رادیوها پا فراتر گذاشته و به مجامع بین المللی کشانیده شده است.

خانشینی از قبیل تقی زاده و علاء که در کاسه لیبی امپریالیستهای خارجی امتحان خود را داده و جیب‌های خود را پر کرده‌اند، ماسک خود را دریده و موضوع نهضت را که مسئله داخلی ایران است، میخواهند با مداخله دول خارجی حل کنند.

این امر بمعنی ایجاد رخنه در استقلال و تمامیت ایران و سیردن اهالی ایران زیر حمایت بیگانگان میباشد. رسیدن مسئله باینجا، بهمان اندازه که خلق آذربایجان را بخشم درآورده، آنها راهشیر نیز کرده است. بآنها فهماند که هیت حاکمه ایران که از یک عده طفیلی تشکیل شده، با احساس اینکه حاکمیت اش برهم میریزد، از نحو و نابودی کشور نیز با شکی ندارد. معنی اقداماتی که علاء و تقی زاده در لندن و درواشنگتن بعمل می‌آورند همین بود. خلق آذربایجان از این عمل تجربه بسیار تلخی بدست آورد. مطبوعات تهران نیز بغیر از چند روزنامه مترقی، از شکافتن مسئله و نمایاندن واقعیت به مردم طفره رفتند.

آنها را، جنبشی دموکراتیک که از دل خلقمان برخاسته بود بهراس افکنده است، یعنی بعضی از مطبوعات مرتجع و خودفروش تهران ترجیح میدادند که مانند علاء و تقی زاده قلابه بیگانگان را بگردن اندازند تا اینکه ملت آزاد شده و حاکمیت ملی برقرار گردد.

فرقه بخوبی درک میکرد که اگر ایران آزاد نشود، آزادی آذربایجان نیز تأمین نمی‌گردد. زیرا فرقه از روزاول بشرط اینکه در داخل ایران قرارداد، این نهضت را بوجود آورده بود. بنابراین دعوت به آشتی از طرف کابینه قوام السلطنه را که بجای حکومت‌های مرتجع قبلی نشسته بود، پذیرفت. اگر این عمل از طرف خلقی که بها خاسته است یک گذشت بی حساب بنظر آید، ولی یک گذشت لازمی بود. زیرا اولاً بدین وسیله امید بیگانگانی که آرزوی خفه کردن استقلال ایران را داشتند به یأس مبدل گردید و این نهضت ما را از تهت‌ها و افتراهای تجزیه طلبی

رهانیده و خاشنین و عناصر کثیف نیز از این نظر خلع سلاح می‌شدند و پرده‌ای که در مقابل چشم ملت کشیده شده بود پاره شده و تارومار می‌شد ، و نهفت ما برای تمام ایران يك شکل دموکراتیک و ملی بخود میگرفت .

موافقت نامه‌ایکه با حکومت قوام السلطنه بستیم در تاریخ ایران ارزش بزرگی دارد . بدین ترتیب نهفت آذربایجان با افتخار کسب نام " ضامن آزادی ایران " نائل آمد و بدینوسیله چندی نوکران امیرالیسم که " از شیش ، فیل می‌سازند " ، خالی شد ، و مجبور شدند دنبال کار خودشان بروند .

در دنیا حادثه‌ای نیست که دو جانب نداشته باشد . بنا بر این اصل هیاهویی که مرتجعین دنیا بر علیه ما براه انداخته بودند ، يك جانب مفید نیز داشت . در نتیجه این هیاهو تمام دنیا ما را شناخت . دارای زبان ، آداب و رسوم و خصوصیات ملی بودنمان را درک کرد . نام آذربایجان بزرگ شده و خلقتان از این دشمنی ها توانست استفاده بزرگی بکنند .

کارها همیشه بدین منوال است ، ملت زنده ، ملت هوشیار ، ملتی که به فداکاری حاضر باشد ، میتواند از هر تصادفی استفاده کند . فارسها مثلی دارند که میگوید : " عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد " این حرف درست است ، وقتی که دشمنانمان با ما دشمنی می‌کردند ، ما از دشمنی آنها نتایج مفیدی بدست آوردیم .

این مسئله را بهیچوجه نباید خرد شمرد . متعصبین فارس همیشه کوشش میکردند به تمام دنیا بفهمانند که آذربایجان برای خود زبان ، ادبیات و خصوصیات ویژه‌ای ندارد . نهفت بزرگ ما این تبلیغات احمقانه را نقش بر آب کرد . حتی بدینوسیله بخش عمده‌ای از مطبوعات آمریکا و انگلیس که بدلیل سیاسی نظر مثبتی بمانداشتند ، این را فهمیدند که ادعای متعصبین فارس درست نیست . خلق آذربایجان برای خود زبان مخصوصی دارد و این زبان يك شعبه‌ای از زبان فارسی نبوده بلکه تماما يك زبان مستقلی است . همچنین طرز تفکر و آداب معاشرت آذربایجانیان با فارس ها بهیچوجه متطابق نمیکنند . این خلق ترقی کرده و برای رساندن خود به خلقهای معاصر دنیا باید با زبان و فرهنگ و با آداب و رسوم خویش به پیش رود .

# مسئله زمین

یکی از ثمرات بزرگی که نهضت ملی مبار آورده است، حل مسئله زمین بشیوه درست میباشد. این مسئله برای حلقهای ایران یکی از مشکل ترین مسائلی است که حل آن ضروری میباشد. فرقه وعده‌هاشی را که در مراجعنامه بیانیه ۱۲ شهریور داده، بصورت شایسته‌ای انجام داد. تقسیم دهات و زمینهای خالصه بین دهقانان و کشاورزان بدون استثنای بلور را یسکان و گرفتن زمینهای مالکین بزرگی که بر علیه ما فعالیت میکردند، امر بزرگی بود. مهمتر از آن، مسئله بهره مالکانه است که بین ارباب و رعیت وجود داشت که یکبار برای همیشه حل گردید و دریک چهارچوب قطعی تثبیت شد. این کار نه تنها در آذربایجان بلکه در تمام شهرها ایران از جهت تکامل و اقتصاد تبدیلات بزرگی بوجود می آورد. دیرباز زود، چه بهتر که حالا این مسئله حل میگردد. بدون حل این مسئله کارهای دیگر هیچ فایده‌ای نداشت. تقسیم اراضی و قانونی که حد رابطه مالک و رعیت را تعیین میکرد برای نهضت‌مان پایه اقتصادی و اساسی بوجود می آورد. بنابراین ما این موضوع را یکی از اساسی ترین و پربهارترین موفقیت‌های فرقه بحساب می آوریم.

شرح و بسط زیاد در این باره بنظرمان اضافی میرسد، زیرا تشکبل دهندگان اکثریست خلقمان یعنی دهقانان از زندگی خصوصی خود معنی آنرا درک کرده‌اند و عملاً نشان دادند که به دستور فرقه حاضر به مرگ نیز هستند. با همه این، جهت اطلاع مبلغین فرقه و بعنوان يك منبع اطلاعات، مقاله‌ای را که يك منبر روزنامه خارجی که در مورد مسائل ارضی صاحب نظر میباشد - نوشته است، در اینجا درج میکنیم:

## تدابیر و سیاست تولیدات کشاورزی

(حکومت ملی آذربایجان (ایران))

بیش از  $\frac{4}{5}$  اهالی آذربایجان (ایران) در روستاها بسر میبرند. بخش مهمی از آنهاشی که در شهر زندگی میکنند، وابستگی بلا واسطه‌ای به زمین داشته و از طریق باغداری، بوستان-کاری امرار معاش میکنند. در اینجا صنایع بسیار عقب مانده است و نقش اساسی در زندگی کشور بازی نمیکند. از این رو مسئله تولیدات کشاورزی در زندگی خلق آذربایجان (ایران).

جای مهمی برای خود دارد .

آذربایجان بعلمت داشتن آب فراوان و اقلیمی معتدل و خاک پرنعمت و غنی از منعی برخوردار است . محصولات کشاورزی بر خوردار است . محصولات کشاورزی روستاهای آذربایجان (ایران) از قبیل غلات ، میوه ، دامداری نه تنها احتیاجات مردم آذربایجان را رفع میکند بلکه يك منبع آذوقه برای تهران و سایر شهرستانها نیز بحساب میآید . محصولات روستاهای اینجا ( گندم ، توتون ، کشمش ، خشکبار ، پوست ، جرم ، پشم و غیره ) اساس تجارت خارجی ایران را تشکیل میدهد . بدین سبب سلسله‌هایی که در ایران حکومت کرده‌اند بویژه حکومت رضاشاه سعی داشتند آذربایجان را برای خود بصورت يك منبع اساسی درآمد درآوردند ، و بدین ترتیب در اثر زحمات فداکارانه دهقانان آذربایجان و در سایه برکت خاک آذربایجان ، محصولات ارزانی بدست آورده‌اند . لیکن در اینجا ، حکومت ایران جهت توسعه و رشد محصولات کشاورزی هیچ اقدامی بعمل نیاورده بود . کافیت بگوئیم که دهقانان آذربایجان نه تنها از وجود تراکتور کمابین اطلاعی ندارند ، بلکه حتی ساده‌ترین آلات کشاورزی مانند خیش آهنی ، کوتان آهنی نیز بکار نمی‌رود و کودشیمیائی نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد . در زمینه بوستانکاری و دامداری هیچ شیوه جدیدی بکار نمی‌رود ، در مورد حیوانات و حشم کمک‌های دامپزشکی وجود ندارد . تنها آلت مهم کشاورزی ، خیش جویی بود و برای شخم زدن زمین تنها از نیروی گاو استفاده میگردد .

روزنامه آذربایجان در شماره ۹۶ در این باره مینویسد : " در سرزمین ما اصول کشاورزی برای همه واضح است . واقعا بحالت آواراست گفته شود که در دنیای کنونی هنوز در اینجا با اصولی که از زمان نوح مانده یعنی با خیش گاواهن و گاو زمین را شخم میزنند . زندگی روستاییان شایسته انسانیت نیست . مسئولین حکومت تهران برای نگهداشتن مردم در وضع اسارت و استثمار از سیستم کشاورزی که از زمان " حضرت آدم " بمیراث مانده است دست برنمیدارند " در آذربایجان ( ایران ) که از طرف تهران بصورت مستملک‌های درآمد ، مسئله آب در تولیدات کشاورزی حائز اهمیت ویژه است . در اینجا کمبود جنگلها ( حتی فقدان آن ) سبب خشکالی میگردد . زمینهای زراعی ، باغات و حتی تاکستانها به آبیاری داشمی احتیاج دارند . در اینجا آب يك منبع زندگانی است . در آذربایجان جریانهای آب ، قیزیل توتون ، قاراسو ( در جنوب و شمال ) که از کوههای پر برف ساوالان ( سیلان - م . م ) و سهند و کوههای دیگر سرچشمه گرفته و در جهت‌های مختلف جریان مییابد . همچنین رودهایی نظیر آچی چای ، قوتور - چای ، آغ چای و رود ارس در حل مسئله آب برای تولیدات کشاورزی نقش مهمی را ایفا میکنند .

در کنار این رودخانهها، باغات، کندمزارها، کشتزارهای پنبه، چغندر وجود دارد. با اینهمه آبیاری در این جا بصورت خیلی ابتدائی و ناهنجاری انجام میگردد. یکی از علل و شایدهم اساسی ترین علت در عقب ماندگی تولیدات روستاها و وضع زندگی روستائیان، مسئله حاکمیت بر زمین و شرایط سنگین استفاده از زمین و مالیات های سنگین میباشد. میتوان تنها این را ذکر کرد که، قسمت بزرگی از اراضی زنجان و زمینهای برنعمت و بر برکت آنجا که از آب رودخانه قیزیل تونز و شاخه های آن آبیاری میشد، تنها يك مالك بزرگ و مرتجع در آنجا حکروائی میکرد. این دشمن خلق آذربایجان با گرفتن کمک های بلا واسطه از حکومت مرتجع تهران و با تکیه به اصول مستبدانه آن، دهقانانی را که در این زمینها کار میکردند، مورد غضب قرار داده و مجبور میکرد که  $\frac{1}{5}$  از محصول خودشانرا باو بدهند.

يك قسمت هم از این زمینها نیز، در دست رضاشاه و دولت دست نشانده او بود. زمین - هائیکه خالصه نامگذاری شده بود، قسمتهای حاصلخیز و پربرکت اراضی بودند.

در ارومیه (رضایه) و خوی قسمتی از زمینهای دولت و مالکین به تجار فروخته شده بود. خلاصه زمینهاییکه بلا واسطه به دهقانان تعلق داشت از زمینهای بی بهره و نامرغوب آذربایجان (ایران) تشکیل می شد. حاکم بودن این وضعیت از سالیان دراز در روستاها آذربایجان، يك منبع فلاکت و بیکاری عظیمی را تشکیل میداد. هزاران نفر روستائی آذربایجان برای یافتن يك لقمه نان به کنوهای همسایه و سایر استانهای ایران مهاجرت میکردند. امروزه در تهران، ساری، اصفهان و سایر شهرهای ایران درکارخانهها، کارگاههای قالی بافی درمعدن نفت انگلیس، درمعدن زغال سنگ و جاده سازی بسیاری از روستائیان آذربایجان مجبور بکار هستند. در آذربایجان (ایران) نیز در تبریز، ارومیه، اردبیل و در سایر شهرها با بسیاری از دهاتیانی که بدنبال يك لقمه نان به شهرها سرازیر شده اند روبرو میشویم.

بهیچوجه تصادفی نیست که در برنامه و مراجعنامه (بیانیه) فرقه دموکرات آذربایجان (ایران) و حکومت تشکیل شده از طرف آن، مسئله محصولات کشاورزی جای مهمی برای خود دارد. خواه در برنامه فرقه و خواه در برنامه حکومت ملی آذربایجان (ایران)، مسئله وابستگی رفاه و سعادت خلق به مسئله زمین، بدرستی مطرح شده است. فرقه و حکومت برای توسعه و ترقی مملکت، در درجه اول، دادن زمین به دهقانان بی زمین و از بین بردن بیکاری در میان روستائیان را بعنوان وظیفه ای تاخیرناپذیر در دستور کار قرار داده است.

برای بجا آوردن این وظیفه پرافتخار، حکومت ملی آذربایجان (ایران) باید بیک رشته تدابیر درست دست می زد. در اینجا مسئله اساسی محصولات کشاورزی، مسئله زمین و دادن

آن به دهقانان میباشد . همراه با پیش کشیده شدن این موضوع ، مسئله مهم دیگری نیز به میان می آید . زمین را از کدام منبع باید تأمین کرد و به روستائیان داد؟

خواه در مرامنامه فرقه و خواه در مرامنامه حکومت ، حفظ مالکیت خصوصی در نظر گرفته شده و در ماده ۱۷ مرامنامه حکومت در این باره چنین آمده است : " حکومت ملی آذربایجان مالکیت خصوصی را در تمام زمینهای مملکت پذیرفته و برای ترقی مملکت و اقتصاد خلق و رفاه حال خلق بهر اقدام خصوصی کمک خواهد کرد . در این وضع حکومت چه میتواند بکند؟ حکومتی که کاملاً بر اساس موازین دموکراتیک تشکیل شده بود در یافتن راه حل این مسئله دچار مشکلات زیادی نشد . حکومت برای صاحب زمین گردانیدن دهقانان در حلقه اول به دو منبع مهربرجوع کرد : زمینهای خالصه ( دولتی ) و زمینهای عناصر دشمن . حتی قبل از تشکیل حکومت ملی در مراجع مرامنامه فرقه دموکرات آذربایجان که دعوتی بود جهت بسیج و مبارزه متحدانه خلق آذربایجان ( ایران ) در راه کسب حقوق خود ، چنین آمده بود : " از نظر فرقه دموکرات زمینهای خالصه و زمینهای اربابانی که آذربایجان را ترک کرده و محصول دسترنج خلق آذربایجان را در تهران و شهرهای دیگر مصرف میکنند ، در صورتیکه بزودی به آذربایجان مراجعت نکنند بدون قید و شرط در اختیار دهقانان قرار خواهد داد . "

در مراجع مرامنامه ای که راه رهایی دهقانان آذربایجان ایران نشان داده شده بود در ماده ای مربوط به این مسئله چنین آمده است :

" برای جلوگیری از بیکاری ، اراضی خالصه باید فوراً تقسیم شود ، همچنین ، زمینهای کسانیکه آذربایجان را ترک کرده و در خارج از آن بر علیه مختاریت ملی ما تبلیغات میکنند ، ضبط گردیده و با واگذاری آن به دهقانان باستانی دهقانان بی زمین را بسیج کرد . "

چنانکه ملاحظه میشود حکومت ملی سعی میکند که مسئله زمین را بصورت خیلی عادلانه حل کند . و حال دیگر اجرای این مرامنامه جدی آغاز شده بود . زمینهای خالصه مال خلق اعلام گردید . حکومت ملی در عین حال ، زمینهای مالکینی را که هیچ رابطه ای با خلق خود نداشته و در خارج از آذربایجان زندگی کرده و با تشکیل دسته های مسلح قلدر بر علیه حکومت خلق اقدام میکردند ، ملی اعلام کرد .

از تدابیر مهمی که در این باره اتخاذ گردید ، میتوان به قراری که حکومت ملی در مورد نوالفقاری ، از مالکین زنجان ، گزارنده بود اشاره کرد .

نوالفقاری زمین دار بزرگی است . همانطور که میدانیم اکثریت بزرگی از زمینداران آذربایجان به مولن آباء و اجدادی و به ملت و شرف و ناموس آن و مبارزه مفلسی که آغاز شده



بود وفادار مانده و با خلق دست‌بسته هم داده و حکومت ملی را تقویت کردند. این حکومت همانطور که در برنامه‌های ذکر گردیده بود با چنین اشخاصی بخوبی رفتار کرده و از حق مالکیت چنین افرادی دفاع نمود.

در زمانی که عده‌زیادی از صاحبان زمین از هر جهت به حکومت و امر خلق یاری میرسانند نوالفقاری‌ها " ۳۰۰ برای حفظ نظام فتووالی خود و برای حفظ خلق در حالت بردگی، بر علیه حکومت ملی قیام مسلحانه‌ای براه انداخته و با حکومت مرکزی مرتجع رابطه خود را حفظ کرده و به قتل و غارت دست‌میزنند " (روزنامه آذربایجان شماره ۹۰)

حکومت ملی برنامه فرقه و خود وفادار مانده و درباره نوالفقاری تصمیم ویژه‌ای اتخاذ کرد. در این مصوبه حکومت ملی، نوالفقاری بعنوان دشمن ملت آذربایجان اعلام گردید. در ماده سوم این مصوبه چنین آمده است: " ۳ - تمام املاک و زمینهای نوالفقاری ضبط گردیده و جزو اموال خلق اعلام شود. ۴ - در ادارات دولتی و ملی در زنجان به تقسیم زمینهای نوالفقاری بین دهقانان اقدام کنند. در این باره هیئت‌های خصوصی تشکیل شده و گزارش بدهند. " (روزنامه آذربایجان)

رهبر حکومت ملی آذربایجان سید جعفر پینیه‌وری در رابطه با این مسئله در نامه‌ای خصوصی که بدهقانان زنجان فرستاده بود مینویسد: " حکومت ملی آذربایجان برای تأمین زندگی بهتر برای خلقمان و بویژه کشاورزان و زحمتکشان نقشه‌های بزرگ و تدابیر جدی اتخاذ کرده و میکند. دولت ملی سعی خواهد کرد که فرهنگ، بهداشت، کار و نان برای همه فراهم شود و هر کس در مقابل زحمتی که میکند اجر و مزد بگیرد و دیگر فرصت داده نخواهد شد که اشخاص طفیلی صفت حاصل دسترنج خلقمان را به خارج از آذربایجان برده و به عیش و عشرت بپردازند و بر علیه آزادی ملتشان تبلیغ و تحریک کنند. "

حکومت ملی برای تأمین زمین برای دهقانان تدابیری اتخاذ کرده که یکی از این تدابیر اینست که از زمینداران وفادار به خلق و دولت ملی، یک قسمت از اراضی شان را با قیمتی مناسب برای طرفین از آنها گرفته و به دهقانان بدهد. و بهره‌حاصل از زمین هائیکه دهقانان از آن استفاده میکنند بین مالک و دهقان بصورت عادلانه تقسیم کند. اگر تا کنون دهقانان  $\frac{1}{3}$  از محصول خود را به اربابان داده و تنها  $\frac{2}{3}$  آنرا خودشان برمیداشتند، دیگر بدین منوال پیش نخواهد رفت. این تدبیر از طرف مجلس ملی تصویب شده و کاملاً مطابق با ماده ۱۱ برنامه میباشد. در این ماده چنین آمده است: " برای رفع اختلافات ارباب و دهقان با شرط رضایت طرفین، لایحه‌ای قانونی تنظیم و از این طریق مسئله ارباب و دهقان راحل و

تسویه نماید . حکومت برای حل این مسئله همانطوریکه در برنامه نامده نیز آورده بود، کسب توافقی طرفین را ضروری تلقی کرده و بدین ترتیب کمیسیون یاشرکت مالکین و دهقانان تشکیل داده و بیکار آغاز کرد .

در محصولات روستای آذربایجان ( ایران ) دامداری جای مهمی دارد . در اطراف قارا- داغ ، ساوالان، جالدهران ، اردبیل ، خلخال و مراغه ، بیلا قها و هزاران هکتار چمنزارهای غنی و عافزارها وجود دارد . این برای دامداری موقعیتی بسیارغنی بوجود میآورد . در آذربایجان ( ایران ) تخمیناً ، ۷ میلیون گوسفند و بز ، نزدیک به ۷۵۰ هزار گاو و ۱۲۰ هزار رأس اسب و تعداد زیادی شتر وجود دارد . دامداری بویژه در اردبیل و محال قارا داغ رشد بسیاری یافته است . لیکن این ارقام برای آذربایجان که دارای امکانات وسیعی میباشد تنها حدودی کم است .

اکنون وزارتخانه مربوطه در مورد محصولات کشاورزی ، بهتر و سالم تر کردن نژاد حیوانات و افزایش تعداد آنها ، تدابیر جدی اتخاذ کرده است . در آذربایجان ایران ، توتون و چغندر نیز جای مهمی در محصولات کشاورزی دارد . توتون حاصله از مراغه ، ارومیه ، آذرشهر و اشنویه نقش مهمی در محصولات کشاورزی ایران دارد . سیگارهای اشنوه که از همین توتون ها ساخته میشود در تمام ایران شهرت دارد . علیرغم این ، توتون با اصول بسیار ابتدائی بعمل میآید . و تنها حدودی کم محصول میباشد . در دشت جیفاتی که از نواحی زیبای آذربایجان میباشد ، چغندر قند مرغوبی بعمل میآید و مواد خام کارخانه قند میآندو ابر را تأمین میکند . علیرغم امکانات وسیع در این زمینه نیز عقب ماندگی وجود دارد .

در آذربایجان ( ایران ) ، باغداری و تاکستانها نیز رُز مهمی دارند . از قرنهای قبل کشمش ، پسته ، بادام و خشکبار آذربایجان ( ایران ) در بازارهای دنیا شهرت بسزائی کسب کرده است . علاوه بر اینها در اینجا خیار، سیب ، شفتالو و انجیر هم بعمل میآید . در اطراف مرند ، ارومیه و تبریز و مراغه باغات وسیع میوه و تاکستانهای بسیاری وجود دارد . لیکن خیلی وقتها بعلمت بیماریهای نباتی و علل دیگر باغها و تاکستانها از بین میروند و یا اینکه غالباً خیلی کم محصول میدهند . ولی امروزه حکومت ملی آذربایجان ایران که صنایع و تجارت خارجی را در دست خود گرفته و تدابیر جدی در این باره اتخاذ میکند و از این جمله است تربیت متخصصینی برای محصولات کشاورزی . قبلاً در اینجا هیچ مدرسه متوسطه و عالی برای تربیت متخصص کشاورزی وجود نداشت . اما اکنون حکومت ملی در آذربایجان به ایجاد دارالفنون پرداخته و در کنار آن دانشکده محصولات کشاورزی نیز بوجود خواهد آمد . در این دانشکده متخصصینی در زمینه دامپزشکی غلات ، توتونکاری و غیره تربیت خواهند شد .

( آ . آذری )

## فعالیت مجلس ملی

برای تأمین حقوق و اختیارات خلقمان ، در نتیجه مبارزه مردانه ، همانطور که برای همه معلوم است ، در ۲۱ آذر مجلس ملی کاملاً بر اساس اصول دموکراتیک تشکیل گردید . بین این مجلس و دارالشورای ملی ( مجلس شورای ملی - م . ) هم از لحاظ تشکیلات و هم از لحاظ طرز عمل تفاوت بزرگی وجود داشت . در مجلس شورای ملی از آنجائیکه جلسات همیشه با شرکت عموم نمایندگان برگزار میگردد ، در آنجا به حرف زدن و تبلیغات اهمیت بیشتری میدهند . پیشرفت کارها با سرعت در نظر گرفته نمیشود . در نتیجه تشکیلات دولت بحال فلج افتاده و لواهی که تقدیم کرده ، ماهها در کمیسیونها میماند و بعضاً حتی امکان مذاکره در مورد آنها میسر نمیشود . ولی فعالیت مجلس ملی ما شکل خیلی ساده‌ای دارد . برای جلوگیری از اتلاف وقت نمایندگان در مرکز ، هر سه ماه یکبار اجلاس عمومی دعوت میگردد . بدینوسیله به مسائل عمومی و اساسی رسیدگی کرده گزارش دولت را شنیده و دستوراتی جدید صادر میکند . بکارهای انجام یافته از طرف ادارات رسیدگی کرده و به رؤسای آنها راه صحیح را نشان میدهد . لایحه های قانونی را که بصورت آزمایشی مورد قبول واقع شده بود ، بعد از مذاکره و تصویب ، برای سه ماه تعطیلی آینده به هیئت‌رئیس سفارشات لازم داده میشوند بدینوسیله زمینه لازم برای تسریع کارها فراهم میگردد . در سه ماه تعطیلی هیئت‌رئیس بدون وقفه وظایف مجلس را انجام داده و با دولت رابطه نزدیک داشته و لواهی را که دولت میفروشد ، بعد از مذاکره جهت آزمایش عودت میدهد . طبق این اصول مجلس ملی ما بریاست یکی از معاونین صدر کمیته مرکزی آقای حاجی میرزا علی شهبازی که یکی از بنیان - گذاران فرقه مصوب میگردد ، از ۲۱ آذر شروع بکار کرده و فعالیت بزرگی بعمل آورده است .

از آنجائیکه هیئت‌رئیس مجلس ملی عموماً از اشخاص متین و بی غرض تشکیل گردیده بین

حکومت ملی و مجلس همیشه حسن تفاهم موجود بوده و مجلس همیشه در پیشبرد کارها ، مساعدت بزرگی نسبت به حکومت ملی نشان داده است . بویژه هوش و ذکاوت فوق العاده آقای شهبازی در فعالیت هیئت‌رئیس خیلی موثر بوده ، از این رو باید معترف گشت که رهبری فرقه بصورت جدی نظر مجلس را جلب کرده بود . رابطه منکم و اتحاد اصولی که عموماً بین فرقه و حکومت ملی و مجلس ملی موجود بود ، در پیشرفت نهضت‌مان تأثیرات بسزایی داشت .

قدمهای موثری که فرقه و کمیته مرکزی در راه حاکمیت خلق برداشته مدیون درست بودن خط حرکت مجلس بویژه فعالیت‌هستگی ناپذیر و بی طرفی و بی غرضی هیئت‌رئیس آن میباشد . و این

نیز در سایه حسن نیت و افکار سالم آقای هبستری بوجود آمده بود



اجلاسهای عمومی مجلس ملی، همیشه افکار و آمال فرقه را دنبال کرده و ایمان و اعتماد زیادی از خود نشان داده بود. رأی اعتمادی که اجلاس عمومی در ۲۲ آذر به صدر حکومت داد از افتخارات متشع تاریخ ملی ما بحساب میآید. آنروز نخست وزیر بعد از آنکه موفق به تشکیل حکومت گردید با فرمانده پادگان تبریز (سرتیب درخشانی) مذاکراتی بعمل آورده و از آنجائیکه این مذاکره به نتیجه نرسیده بود. وی در مجلس حاضر شده بصورت آشکار و صریح موضوع را به نظر نمایندگان رسانیده و احتمال پیشبرد مبارزه را از طریق سلحانه، مطرح کرد. بعلت وجود چنین احتمالی و وقوع چنین موردی از مجلس رأی اعتماد خواست. در جواب تمام نمایندگان بها خاسته و بصورت یکپارچه ای گفتند: "هنگی در زیر پرچم حکومت ملی آماده بدست گرفتن اسلحه و جنگ هستیم، بگذار حکومتی که برپا کرده ایم بجای اعتماد، جان ما را بخواهد و ما در راه آزادی از جان دادن مضایقه نمیکنیم" این يك تعارف خنك و خالی نبود، نمایندگان همراه با رئیس مجلس آقای هبستری از مجلس خارج شده و برای سلاح شدن به کمیته مرکزی فرقه آمده و در آنجا منتظر نتیجه مذاکره جدیدی که بین نخست وزیر، رئیس مجلس با سرتیب درخشانی در جریان بود گردیدند. این حادثه ایست که در تاریخ بندرت اتفاق می افتد. درست است که در موقع بنوب بسته شدن مجلس شورای ملی ایران از طرف محمدعلی میرزا عده ای از نمایندگان در مجلس ماندند و شهید شدند ولی تاریخ نشان نمیدهد که آنها اسلحه بدست گرفته و فداکارانه بجنگند. اما مجلس ملی ما در نتیجه این فداکاری براستی که ثابت کرد مجلس فدائیان میباشد.

علاوه بر این یکی دیگر از افتخارات مجلس ما این بود که از رهبران تشکیلات فدائسی بعنوان نماینده در آن شرکت داشتند. آقای غلام دانشیان، جعفر کاویان، کبیری و سایرین، مستقیماً از جبهه ها انتخاب شده و به مجلس آمده بودند. فرقه هم با وجود آوردن چنین مجلسی خلایقیت خود را بدنیا ثابت کرده، استعداد و توانائی ملتمان را نشان داده بود. ما سابقه مجلس ملی نداشتیم، حتی حکومت ملی هم بی سابقه بود، همه اینها تشکیلاتی بودند که در نتیجه ابتکارات رهبری فرقه بوجود آمده بود. و تاریخ درباره آنها هرگز نمیتواند سکوت نماید. ایجاد این تشکیلات، در آینده برای تمام خلق ایران و حتی برای تمام ملل شرقی میتواند سرمشق گردد. فرقه با ایجاد این تشکیلات بتکرار قیامهای بی هدف و بدون تشکیلات گذشته خاتمه داده و برای آزادخواهان عمر جدیدی در راه موفقیت باز کرده که این خود امریست شایان افتخار.

## امور تشکیلاتی فرقه

در ۲۱ آذر آقای پیشه‌وری بمعاونت آقای بادکان، شخصا به امر سازماندهی فرقه اشتغال داشت. در این موقع امکان توجه به امر تشکیلات بیشتر بود. زیرا کادرهای فرقه بغیر از آن کار دیگری در دستور نداشتند. بنابراین، کارها با سرعت زیادی پیشرفت کرده و در عرض سه ماه در تمام شهرها و روستاهای آذربایجان تشکیلات فرقه بوجود آمده و بصورت جدی بفعالیت پرداخته بود. در نتیجه فعالیت این سازمانها، تمام خلق آذربایجان تحت پرچم فرقه گردآمده، نهضت بزرگ و نیروی مسلح آن، دسته‌های فدائی را بوجود آوردند.

در عرض این سه ماه، کمیته مرکزی و سازمانهای محلی موفق گردیدند در زمینه تبلیغات و تشکیلات کارهای بزرگی انجام دهند. بدین ترتیب زمانی که حکومت تحت رهبری فرقه درآمده توانست جهت نظارت بر ادارات دولتی و حتی اداره کردن آن، بقدر کافی افراد مجرب و باایمان از صفوف خود برای اینکار تعیین کند. و این خود برای سازمانی که بیش از سه ماه سابقه کار نداشت موفقیت بزرگی محسوب میگردد.

اگرچه، در میان افرادی که آنروز به ادارات دولتی فرستاده شدند، تعداد رفقای بسا تجربه‌ایکه مدت‌های طولانی مبارزه سیاسی در احزاب سیاسی کرده بودند، کم نبود. با تمام این، یافتن و جلب اعتماد آنان و گماردن آنها بر سر کارهای پر مسئولیت، بخودی خود موفقیت بزرگی بحساب می‌آمد.

بعداز ۲۱ آذر، بعلمت فرستادن کادرهای فرقه به ادارات دولتی، از این جهت در داخل تشکیلات مشکلات زیادی بروز کرد. بخصوص، در زمانی که مسئولیت کمیته مرکزی با زهم سنگینتر شده بود، قسمت عمده‌ای از کارکنان آن به کارهای دولتی پرداخته و خواه ناخواه نمی‌توانستند بقدر ضروری به امور فرقه مشغول گردند.

از طرف دیگر، مردم با ملاحظه موفقیت‌های فرقه، دسته‌دسته به سازمان ما روی می‌آوردند بنظم درآوردن آنها در تشکیلات و اداره کردن آنها بدون کادر، کار بسیار مشکلی بود. از آنجائیکه تمام این امور بعهده معاون صدر فرقه، آقای بادکان محول شده بود، وظایف وی فوق العاده سنگین تر شده بود. علی‌رغم این، وی به نیروی خستگی ناپذیر و قدرت اراده خود اتکا کرده و این وظیفه سنگین را چنانکه شایسته قهرمانان است با جدیت و همت موفق به انجامش گردید.

آقای بادکان ۶ ماه تمام ، امور جاری کمیته مرکزی را با جدیت انجام داده و بجای کادر-  
هاییکه از آنجا به ادارات دولتی فرستاده میشد ، کادرهای تازه‌ای آماده میکرد و از همین  
طریق بود که دوام و بقا و تشکیلات را تامین نمود .

در این مورد ، فعالیت آقای ولائی معاون جوان ، تشکیلات شهری تبریز ، هم شایان تقدیر  
است .

علاوه بر این ، در نقاط دیگر ، سازماندهندگان فرقه بنوبه خود فعالیت وسیعی بعمل  
آوردند که در جای خود باید از فعالیت آنها نیز تقدیر گردد .  
همانطوریکه در بالا گفته شد ، در ایجاد نهضت و سوق دادن آن در راه صحیح ، مسئله تقسیم  
کار در فرقه ، تاثیر فوق العاده ای داشت .

در حالیکه سیاست عمومی فرقه را آقای پیشه وری رهبری میکرد ، امور داخلی آن را آقای  
بادکان ، تشکیلات مهمی نظیر مجلس ملی را آقای شبستری ، اتحادیه همکاران را آقای بهریسا  
و سازمانهای دیگر را اعضای دیگری از کمیته مرکزی ، عهده دار بوده و با موفقیت کارها را  
انجام میدادند .

لازم است متذکر شویم که این کار در تاریخچه فرقه مان حائز اهمیت بسیاری است . رهبر آن  
فرقه علیرغم وظایف سنگینی که بعهده داشتند ، تشکیلات فرقه را هرگز بدست فراموشی نسپرده ،  
اجلاسهای عمومی در موعد خود تشکیل شده ، اجتماعات مختلف دعوت میگردد و تمام افراد  
فرقه از سیاست آن باخبر میشدند . بدین ترتیب اعضا فرقه مانند افراد يك خانواده دست به  
دست هم داده نهضت بزرگ را بوجود آورده و در نیل آن به هدف مورد نظر با کمال افتخار موفقیت  
بدست آوردند .

در فرقه به مسئله اتحاد اهمیت زیادی فائل گردیده بود . افراد آن بدون توجه به رنجشهای  
کوچک و خصوصی در تمام لحظات صاس برادرانه فعالیت کرده و آمادگی خود را برای هر نوع فدا-  
کاری به اثبات رسانیده بودند .

اگرچه بعضی اشخاص خود پسند به سیاست عمومی فرقه بانظر مخالف می نگریستند ولی بیشتر  
سریع کارها ، فداکاری افراد فرقه ، به اجرا شدن نیت کثیف آنها امانتی نداده و آرزوی آنها  
را برای ایجاد دوستگی و نفاق در داخل فرقه و استفاده خصوصی از آن ، بدلشان باقی گذاشتند .  
اگر جانفشانی و رهبری بی غرضانه فرقه نبود ، قطعاً موفقیتهای بزرگی را بدست نمی آوردیم  
بدین جهت ما همیشه از رهبرانمان جدیت ، صمیمیت ، فداکاری و بیفرضی طلب کرده ایم . بویژه  
خواستار آنیم که وحدتیمان همانطوریکه تا بحال بوده پایدار باشد . وبه نیت پلید افراد

پستی که می‌خواهند در داخل فرقه اختلاف بوجود آورند و نهضت‌مان را از هم بپاشند ، امکانی داده نشود . ما از رهبرانمان این را درخواست می‌کنیم :

وحدت، وحدت و باز هم وحدت لازم است .

## فرقه‌ما و طبقه کارگر

فرقه در آغاز کار از تشکیلات اتحادیه همکاران کمکهای جدی دریافت کرده بود . اینس تشکیلات که برهبری فرقه فعالیت میکرد ، بویژه در شهر تبریز در پیترت نهضت‌مان فعالیست بزرگی از خود نشان داده بود . یکی از مهمترین عوامل موفقیت فرقه ، تشکیلات توده‌های کارگری بود .

فرقه بعلاوه اینکه يك تشکیلات خلقی است به طبقه زحمتکش اهمیتی زیاد قائل بوده و برای بهبود بخشیدن بزندگی آنها قدمهای جدی و بزرگی برداشته و در این راه موفق گردیده بود . بویژه آقای پیشه‌وری در رهبری حکومت ملی و نهضت ملی‌مان اهمیت زیادی به کارخانه‌ها و بیکاران آنها و جلوگیری از تعطیل شدن آنها ، قائل بود .

بدین وسیله با بیکاری ، که زندگی صدها کارگر را تهدید میکرد ، مبارزه‌ای مردانه به پیش بود . بیکاران انداختن کارخانه پشمینه ، نظارت به کار کارخانه‌های بوستان و ایران و شرکت نمایندگان کارگران که از طرف اتحادیه کارگران تعیین شده بود در اداره کردن اینس کارخانه‌ها برای مبارزه با بیکاری قدمهای جدی مصوب می‌شدند . آقای پیشه‌وری با در نظر گرفتن سیاست درست فرقه ، لحظه‌ای از فکر این کارخانه‌ها که منبعی برای رساندن نان به هزاران خانواده کارگری بود غافل نشده و با وجود اینکه هزاران مسائل سیاسی در مقابل داشت ، قسمت مهمی از وقت خود را صرف این مسئله کرده بود . و این يك دلیل بزرگی بود برای علاقه فرقه به طبقه کارگر .

علاوه بر این ، علیرغم بائین آمدن مداوم سطح زندگی و کسادبازار ، به کاهش دستمزد کارگران امکان داده نشد و در عرض شش ماه حکومت ملی حتی یک نفر از کارگران از کارخانه‌های بزرگ اخراج نشدند . بلکه با بیکاران افتادن کارخانه بوستان و تاسیس کارخانه جدید با فندگی برای بیش از هزار کارگر منبع کار و تهیه معاش فراهم گردیده بود . علاوه بر اینس در

فعالیت‌های آبادانی شهر و تأسیسات جدید ، و کارهای راه سازی و مدارس نظام و شروع کارها<sup>۴</sup> تازه به هزاران جوان و کارگران سن کار پیدا شده و بدین وسیله از بیکاری که زندگی طبقه زحمتکش را تهدید میکرد ، جلوگیری شد . بالاخره برای جلوگیری از اختلافات بین کارگر و کارفرما و تعیین وظایف و اختیارات این دو طبقه ، قانون کار تهیه و تصویب گردید و با اجرا گذارده شد که این قانون کار در شرایط فعلی برای طبقه کارگر موفقیت بزرگی بحساب می‌آید . اگر کسادی و بیکاری که روز بروز افزایش مییافت در نظر گرفته شود ، آنوقت عظمت خدمتی که فرقه به طبقه کارگر کرده است در نظرمان مجسم خواهد شد . بالاخره لازم است گفته شود که فرقه دموکرات آذربایجان با رهبری کردن اتحادیه همکاران ، همیشه رهبر جدی طبقه کارگر بوده و برای حفظ منافع آن از هیچ نوع فداکاری دریغ نکرده است . میتوان گفت که صدر اتحادیه همکاران ، آقای بی ربا زمانیکه در شهر بوردکشته قبول رهبریت فرقه را از طرف این تشکیلات رسماً و کتیباً اعلام کرد ، دچار اشتباه نگردیده بود . فرقه در مبارزه دشواری که پیش میبرد ، طبقه کارگر را در صفا اول در نظر داشته و حفظ منافع کارگر را از وظایف مهم خود دانسته و خواهد دانست . البته طبقه کارگر و رهبران آن بخوبی میدانند که اگر رهبری صحیح فرقه نبود ، طبقه کارگر که ستمکشترین طبقه خلق آذربایجان میباشد ، نمیتوانست آزاد شده و خواسته‌های خود را همانگونه که دلخواهشان است ، بدون دردسر ، بدست آورند . از این نقطه نظر میتوان گفت که کارگران آذربایجان در سایه رهبری فرقه دموکرات سه دو آزادی نائل گشتند : اولی مانند عموم خلق آذربایجان رسیدن به آزادی ملی و دومی رسیدن به آزادی صنفی که بوسیله آن منافع عموم کارگران تامین میگردد . که هر دوی آنها در تاریخ مبارزات صنفی کارگران با خط درشتی نوشته خواهد شد .

\* \* \*

### \* ( حکومت ملی به خلق حساب پس میدهد ) \*

از آنجائیکه حکومت ملی ، تحت رهبری فرقه‌مان کار می‌کرد ، افتخار فعالیت خارق العاده ای که انجام میداد متعلق به فرقه‌مان میباشد . همانطور که در بالا ذکر کردیم ، کارها شیکه حکومت ملی انجام داد نه تنها در آذربایجان بلکه در تمام ایران نیز بی سابقه بود . بنابراین ، در زمانی کوتاه ، نفوذ نهضت از مرزهایمان گذشته ، علاوه بر ایران در کشورهای خارجی نیز طنین افکنده و بصورت مسئله‌ای بین المللی در جهان درآمد .



از آنجا که این کتاب با عجله نوشته شده ، از شرح کارهایی که در این زمینه انجام گردیده صرف نظر کرده و به نقل گزارش صدرحکومت آقای پیشه‌وری به دومین اجلاس عمومی مجلس آذربایجان ، اکتفا میکنیم :

• مذاکرات دومین جلسه از دومین اجلاس عمومی مجلس ملی و

## گزارش آقای پیشه‌وری

• درباره کارهای انجام یافته از طرف حکومت ملی آذربایجان تاکنون

دومین اجلاس مجلس ملی آذربایجان با شرکت نمایندگان و بریاست آقای شبستری در روز جمعه ۱۶ فروردین ماه در ساعت ۹/۵ صبح تشکیل گردید . در این جلسه هیئت دولت نیز حضور داشت .

آقای شبستری - من افتتاح دومین جلسه اجلاس دوم را رسماً اعلام میکنم ، آقای محمد عظیمی صورت جلسه دیروز را مختصراً گزارش خواهد داد .

آقای محمد عظیمی صورت جلسه اولین جلسه را مختصراً قرائت کرد .

آقای شبستری - بموجب برنامه اینکه دیروز در اولین جلسه خوانده شد ، آقای پیشه‌وری درباره عملکرد هیئت دولت تاکنون گزارش خواهد داد .

آقای پیشه‌وری - من فکر میکنم که بحث من نمیتواند خیلی مفصل باشد . زیرا تمام کارهایی که هیئت دولت انجام داده با اطلاع خلق و بویژه با نظارت مستقیم اعضای مجلس ملی بعمل آمده است . بنا بر این گمان میکنم که صحبت‌های من برای نمایندگان تازگی نخواهد داشت . فقط میتواند بصورت مختصر اشاره بآنها باشد . شما بخوبی میدانید که دولت ملی ما مولود مبارزه است . دولت و مجلس زیر صدای رگبار مسلسلها و تفنگها و اسلحه‌های دیگر تشکیل شده است . اگرچه وزرای ما و کارکنان دولت از میان آزادخواهان انتخاب شده و بکارهای دولتی پرداختند ولی باندازه کافی مجرب نبودند . غیر از یادگاریهای بد و ارضیهای منفور از دولت استبدادی چیز دیگری باقی نمانده بود از آنجمله دزدی و اختلاس ، تنبلی و سوء استفاده از مقامات دولتی .

عده‌ای از کارمندان تنها بفکر تامین معاش خود بوده و با ساعت‌شماری روزهایشان را سپری میکردند و بعد بجز رفتن بدنبال کارهای خصوصی خود در اندیشه کار دیگری نبودند .

من نمیخواهم آنها را مرز نش کنم زیرا اقتضای تشکیلات همین بود و اگر سه یا پنج نفر آدم صادق نیز وجود داشت یا از کار دست میکشیدند و یا اگر برمسند کار میماندند مجبور میشدند خود را با محیط سازش دهند و بدین ترتیب بدلیقی امرار معاش میکردند .

در موقع تشکیل دولت ملی وضع ادارات چنین بود حتی زمانیکه من با ستانداری سابق رفتم ، يك ورق کاغذ پاکت برای استفاده پیدا نکردم ، مخصوصا آنموقع که استاندار با تمام اختیارات آمده بود که نهضت ما را خفه کند و بقول فارسها " در باغ سبز " بما نشان بدهد . زمانیکه ما حکومت را بدست گرفتیم وضعیت خیلی دشوار و سنگین بود من اینرا فعلا از لحاظ مالی میگویم در هر صورت ما از موقع گرفتن حکومت با يك برنامه شروع بکار کرده و آنرا بسرای تصویب بمجلس آوردیم این برنامه که ما در جلوی خود داشتیم مانند برنامه های عادی دولت ایران نبود . این يك برنامه عملی بود ، ما میدانیم که این دولت در مدت معینی این کارها را انجام خواهد داد ، من گمان میکنم که آن برنامه درحاطه نمایندگان هست . در آن برنامه مسئله اول تشکیل حکومت ملی بود ، حکومت ملی باید بنحوی تشکیل میشد که خلق واقعا حس کنند این حکومتی است که خود بوجود آورده و در آن دخالت نزدیک دارد . این کار اگر درحرف خیلی آسان بنظر آید درعمل بسیار مشکل است . زیرا حکومت قبلی خلق راه دور ماندن از خود عادت داده بود ، دولت بالایی سر خلق بعنوان يك مشت بود و ملت هم زیر فشار و عذاب مجبور بسود که چرخهای دولت را بگرداند . ملت در امور دولتی دخالتی نداشتند ما باید این عادت را عوض میکردیم . دولت باید سعادت ملت را تأمین میکرد .

ما در برنامه نشان داده ایم که این بجه نحوی عملی میشود . این تنها در سایه دموکرات بودن کارمندان عملی نمیکرد ، بلکه باید درعمل خواسته های خلق را انجام دهد . ما طبق يك يك تشکیلات دولت را بوجود آوردیم و بخلق امکان دادیم که بوسیله انجمنهای ایالتی و ولایتی بکارهای ادارات از جمله دارائی و بهداشتی نظارت کنند .

مسئله دوم مسئله شهرداری هاست . از دوره قبلی ، انجمنهای شهرداری تبدیل بشکیلات دولتی شده و رئیس شهرداری نیز از طرف دولت انتخاب میشد ، و بخاطر حفظ ظاهر بان اسم انجمن داده بودند . ما امکان دادیم که این انجمنها را خلق مستقیما انتخاب کرده و در این کارها دخالت کنند . البته این کار تازه است و مدتی لازم است که بصورت درست کار کند و ما بصورت فاعلی این کار را انجام خواهیم داد . من بیاد میآورم که ( آقای یکانی اینجاست یانه ) بارسال قبل از عید بغوی رفته بودم . رفتگران شهرداری لباس نداشتند و حقوق هم نگرفتند بودند ، میخواستند شاخه های درختهای کوجه ها را ببرند و بفروشند تا حقوق رفتگران را برآورد

نمایند . من حالا با سربلندی میتوانم بگویم که اکنون کارهای شهرداری آنقدر خوب پیش میروند که نه تنها حقوق ها را بموقع میپردازیم ، بلکه اصلاحاتی هم در داخل شهر انجام شده است . شهر مراغه از شهرهای مشهور ایران بحساب نمآید . میتوان گفت که یکی از شهرهای متوسط ایران است و شهر ترقی یافته ای نیست . با این همه با استناد به وضع مالی خوب انجمن شهر تصمیم گرفته است که ساختمانی برای تئاتر دولتی بنا کند . این کار بسیار پراهمیتی است زیرا تا کنون حکومت ایران در تهران هم نتوانسته چنین تئاتر دولتی بوجود آورد . لیکن حالا خلق انجمن ها را خانه و خانواده خود بحساب میآورد . شهرداری میان دو آب میخواهد حمام بزرگی به سبک اروپائی بنا کند . این کار راما و مجلس بآنها توصیه نکرده ایم ، بلکه خلق خود احساس میکند که در اینجا مسئله حمام مسئله مشکلی است و این مسئله را بصورت مدرنی باید اصلاح و حل کرد . البته این کارها ، کارهای آسانی نیستند ، ساختن يك چنین حمامی چند هزار تومان وشاید ۸۰ - ۹۰ هزار تومان خرج برمیسازد ، این مقدار پول برای میان دو آب پول بسیاری است .

زمانیکه شهرداری تبریز را تحویل گرفتیم در صندوق آن پولی وجود نداشت . اما حالا ما میتوانیم در آینده نزدیک لوله کشی آب و آسفالت کردن خیابانها را عملی سازیم ما وسایل مورد لزوم را نیز خریداری کرده ایم . تبریز اولین شهر ایران است که لوله کشی آب در آن انجام میگردد من میخواهم بگویم که اینست نتیجه نزدیک شدن حکومت بخلق . تشکیل انجمنها در آنرا با بجان مسئله ای تازه ای است . لیکن علیرغم این ، کمتر جایی میماند که در آنجا انجمنی تشکیل ندهد باشد . میدانید که حالا زمستان و فصل سرماست ، و وسایل رفت و آمد موجود نیست ، نمایندگانی که از اهر آمده اند ، شاید برای مسافرت خود از اسب استفاده کرده اند . حالا تشکیلات انجمن بوجود آمده و طرح آن نیز ریخته شده است و اینک بتدریج آن را بصورت منظم در میآوریم ، من فکر میکنم که در عرض سه یا چهار ماه بیشتر از این نمیتوان کاری انجام داد . البته این نتایج بدست آمده نیز در سایه فعالیت های نمایندگان محترم و کارکنان دولت و حسن نیت آنها بدست آمده است . بعد از اینها مسئله فرمانداری و بخشداری در مقابلمان میماند . البته آنها با این زودی نمیتوان بصورت منظمی درآورد . بین کارکنان و مامورین دولتی خیلی ها هستند که هنوز با این کارها آشنا نیستند . من بارها به وزرای همکارم گفته ام که مانسی - خواهیم تشکیلات دیوانی بوجود آوریم بلکه ادارات ما موظف با اجرای قوانین هستند .

فرماندارها یمان نیز باید ناظر و مجری قانون باشند . ولی تعداد آنهاست که این مسئله را بطور شایسته ای درک کرده باشند ، کم هستند . زیرا قدیمی ها این را درک نمیکند و افراد تازه کاریز با مود اداره کردن آشنا نمی باشند . بنا بر این در بعضی ادارات قدیمی ها و در

برخی افرادی جدید قادر با اجرای مقصود و خواست ما نیستند . ما امیدواریم که درآینده بخشدارها ، دهدارها و کخداهائی مطابق ایده آلها ایمان تربیت کرده و برسر کار بگذاریم . در بعضی نقاط ترقی یافته برای تربیت کارکنان دولتی مدارسی تاسیس میشود ، لیکن در این مورد مشکلات زیادی داریم بنابراین ما اکنون اشخاصی را که ایمان داریم برسر کار میآوریم . در بعضی موارد دیده میشود که کارکنان عوض مراجعه به وزیر به فرقه و عوض مراجعه به فرقه به حکومت مراجعه میکنند . با مرور زمان ، لازم است که مامورین ادارتمان را آماده کنیم و بهمانیم که فرقه دموکراتیک رهبری سیاسی است ، باید بگفته های آن گوش بدهیم ولی کارحکومت امر دیگریست ، نباید اینها را باهم قاطبی کنیم ، مثلاً خیلی وقتها دیده میشود که کارمندی در مورد مسئله ای که بمن مربوط نمیشود ، ده تلگراف پشت سرهم بمن میفرستد . من سرزنش نمیکنم فقط میخواهم بگویم که خلق هنوز بمعنی واقعی حکومت ملی را درک نکرده است . باید خلق را بمرور زمان آماده و تربیت کرد . البته درمثل مناقشه نیست این کار مانند گرفتن يك اسب وحشی و سوارشدن برآن و یا بکار واداشتن آن میباشد . انسان را نمیشود به اسب تشبیه کرد اما من میخواهم بگویم که باید افراد جدید را به کار آشنا کنیم و این کاری نیست که در عرض يك یا دو روز انجام گیرد ، علاوه برجنبه سیاسی مسئله تعلیم و تربیت هم در این مورد اهمیت بسزایی دارد . ما علیرغم هزاران مشکل و سختی ها در این مدت کوتاه توانسته ایم تعدادی کارمند را تربیت کنیم . امیدواریم که آنها هرچه زودتر بوضعیت دموکراتیک آشنا گردند . چون اگر نیت خالمانه وجود داشته و در فکر خدمت بخلق باشند ، اگر بار اول هم مرتکب اشتباهی گردند عاقبت واقعیت را خواهند یافت . بعد از تشکیل حکومت ، تشکیل انجمن ، تربیت افرادی اجتماعی برای فرمانداربها و بخشداربها بتدریج خلق را به حکومت نزدیک خواهیم کرد .

در این رابطه مسئله دیگر ، مسئله امنیت میباشد . ما از اول گفته بودیم که تا آخرین رمق سعی خواهیم کرد که مال و جان و ناموس خلق را حفظ کنیم ، زیرا با نبودن امنیت هیچیک از تدابیر ما به نتیجه ای نمیرسید . بدین جهت در تشکیل حکومت ملی همه سعی کردیم که امنیت آنچنانکه لازم است تامین شود . من در گوشه و کنار یادها فغانانی که صحبت میکردم - حتی عده زیادی از آنها مرا نمیشناختند - از امنیت اظهار رضایت داشتند . حتی در مراغه عده ای میگفتند همانطور که در داستانها گفته میشود وضع امنیت آنقدر خوب شده که شبها باید دکانها را باز بگذاریم تا خلق ببینند که این افسانه نیست بلکه حقیقت است . ما حکومت ملی را در اصل برای تامین امنیت تشکیل داده ایم و با ایجاد امنیت است که میتوانیم ثابت کنیم حرفهائی که دشمنانمان در ابتدا بر علیه ما میگفتند : آنها تیکه نهفت آذربایجان را بوجود